

آموزش علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران

دراحد یک الگوی تدریس دانش‌پژوهانه

داوید و تدوین:

دکتر محمود مهرجویی (اساتذگانه تربیت مدرس)

دکتر نعمت‌الله موسی‌پور (رئیس‌جمهور، پژوهشکده مطالعات فرهنگی)

با همکاری:

دکتر خسرو باقری؛ دکتر نعمت‌الله فاضلی

دکتر مقصود فراستخواه؛ دکتر محمد علی‌نژاد؛ دکتر حماد خاتمی



پژوهش و مطالعات فرهنگی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

آموزش علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران طراحی یک الگوی تدریس دانش پژوهانه

دکتر محمد مهر محمدی و دکتر نعمت‌الله موسی‌پور
با همکاری دکتر خسرو باقری؛ دکتر نعمت‌الله فاضلی
و دکتر مقصود فراستخواه؛ دکتر محمد عطاران؛ و دکتر جواد حاتمی

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

طرح جلد: هرا صفی

صفحه‌آرا: محمد علیزاده

چاپ دیجیتال: سیب

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۴

تیراژ: ۲۰۰

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۵۵۵۶۷-۰۰-۷۸۶

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید موسی، نزد دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

سایت: www.iscs.ac.ir

پست الکترونیکی: info@iscs.ac.ir

کلیه آثار منتشره این پژوهشکده در جهت ایجاد فضای آزاد علمی و نظامی شخصی نویسندگان محترم آن است و لزوماً مورد تایید پژوهشکده نیست.

سرشناسه: مهر محمدی، محمود، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور: آموزش علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران. طراحی یک الگوی تدریس دانش پژوهانه/ پدیدآورندگان محمود مهر محمدی، نعمت‌الله موسی‌پور، خسرو باقری... و دیگران.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۶۷۴

شابک: 978-600-5567-91-5

یادداشت: با همکاری خسرو باقری، نعمت‌الله فاضلی، مقصود فراستخواه، محمد عطاران، جواد حاتمی

موضوع: علوم انسانی -- ایران

موضوع: آموزش عالی -- ایران -- ارزشیابی

موضوع: موسی‌پور، نعمت‌الله، ۱۳۴۳ -

موضوع: باقری نوع پرست، خسرو، ۱۳۳۶ -

شناسه افزوده: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ۸۵ م / AZ۷۷۳

رده بندی دیویی: ۰۰۱/۳۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۸۳۵۹۸

فهرست

دییاجه پژوهشکده	هفت
مقدمه	۹
فصل اول: کلیات: بیان مسئله و موقعیت مسئله‌ای	۱۵
فصل دوم: چارچوب نظری: فهم آموزش مطلوب	۳۷
فصل سوم: چالش‌های آموزش علوم انسانی در ایران	۵۷
فصل چهارم: ماهیت علوم انسانی	۱۶۷
فصل پنجم: الگوها، راهبردها و روش‌های آموزش علوم انسانی	۲۱۳
فصل ششم: سیاست‌گذاری آموزش علوم انسانی بعد از انقلاب اسلامی در ایران	۳۱۷
فصل هفتم: آموزش علوم انسانی در تجارب استادان برجسته	۳۶۱
فصل هشتم: فاوا و آموزش علوم انسانی	۴۵۱
فصل نهم: آزمون فرضیه تحقیق در پرتو مطالعات فرعی	۵۰۹
فصل دهم: جمع‌بندی: الگوی مطلوب آموزش علوم انسانی و کاربرد آن در آموزش عالی ایران	۵۹۵
منابع	۶۳۷
نمایه	۶۷۳

دیباچه پژوهشکده

این کتاب حاصل ملاحظاتی است که به سفارش پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری توسط جمعی از پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت در فاصله زمانی ۱۳۸۸-۱۳۸۶ به انجام رسیده است. این پژوهشکده در چارچوب مأموریت‌های سیاست‌های محوری خود، یعنی توجه به برنامه‌های درسی و آموزش علوم انسانی و اجتماعی در دانشگاه‌های کشور، تلاش کرده است فرصت‌هایی را برای نه‌ان‌های پژوهشی پژوهشگران این عرصه ایجاد کند تا از این طریق به ارتقاء کیفیت علوم انسانی و اجتماعی در کشور کمک شود.

کیفیت برنامه‌های درسی و آموزش در حوزه علوم انسانی و اجتماعی البته مستحق عطف توجه بوده و در مقایسه با سایر حوزه‌ها باید با حساسیت و جدیت بیشتری با آن مواجه شد. ضرورت این عطف توجه را می‌توان نخست در مزیت نسبی حوزه‌ای که خاستگاه انقلابی فرهنگی بر پایه ارزش‌های دینی بوده است، جستجو کرد و انتظار داشت به نوآوری و ابداع در قلمرو دانش و معرفت انسانی در عرصه‌های گوناگون و گسترده علوم انسانی ارج و بهایی درخور داده شود. این در حالی است که جامعه ما در سایه عطف توجه به نیازهای زیستی و مادی، اهتمام ویژه‌ای به علوم زیستی و مهندسی مبذول داشته و توانسته است شاهد برداشته شدن گام‌های بلندی در توسعه این رشته‌ها باشد. این رخدادهای البته موجب مباحثات است و نشان از استعدادهای نهفته‌ای در دانشمندان این مرز

و بوم دارد که در صورت فراهم شدن شرایط و امکانات مساعد به منصف ظهور رسیده و خوش خواهد درخشید. نکته این جاست که چرا علوم انسانی و اجتماعی از این نوع تحولات و خیزش‌های علمی حظ چندانی نبرده است؟ کدام رشته از علل و عوامل سبب عقب افتادگی یا توسعه نیافتگی علوم انسانی و اجتماعی شده است؟

بدون تردید نظام آموزش عالی می‌تواند گام‌های مؤثری در تغییر این وضعیت برآورد؛ هرچند همان‌طور که در این مطالعه نشان داده شده است - وقوع چنین اتفاق رکی مستلزم عزم ملی و امری کاملاً فرابخشی است. آموزش عالی از طریق تدارک برنامه‌ها، بررسی مناسب و تضمین کیفیت مطلوب آموزش، می‌تواند سهم به سزایی در تغییر شرایط کنونی داشته باشد، اما به یقین فعال‌میشاء نیست و لازم است تمامی ارکان و اجزای جامعه در این راستا به پشتیبانی آموزش عالی بشتابند. امید است این مطالعه به سهم خود بتواند به سیاست‌گذاری صحیح در این زمینه کمک نماید و جامعه شاهد ادامه یافتن کوشش‌های مطالعاتی تکمیلی در این زمینه باشد.

لازم است از مساعی همه پژوهشگران به در این مطالعه مشارکت داشته‌اند صمیمانه تشکر و قدردانی شود؛ هر چند که آقای دکتر محمود مهرمحمدی، استاد مطالعات برنامه درسی دانشگاه تربیت مدرس، به عنوان مجری طرح در انجام این مطالعه دارای نقش محوری بوده‌اند. این گروه که به درستی یک مطالعه، مابین‌رشته‌ای و مسئله‌محور را تعریف و دنبال کردند و سبک کار پژوهشی آنان در این مطالعه دارای ویژگی‌های الگویی برای این نوع مطالعات میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود، به ترتیب عبارت‌اند از: دکتر خسرو باقری، دکتر جواد حاتمی، دکتر محمد عطاران، دکتر بهمن فاضلی، دکتر مقصود فراستخواه، دکتر نعمت‌الله موسوی‌پور و دکتر محمود مهرمحمدی.

همچنین لازم است از ناظر محترم طرح، جناب آقای دکتر حسن شعبانی و از داوران محترم گزارش نهایی طرح، آقایان دکتر حمیدرضا آراسته و دکتر حسین ابراهیم‌آبادی، که با بررسی و ارزیابی گزارش نهایی بر اساس شاخص‌ها و انتظارات پژوهشکده و اقتضانات علمی این حوزه به اعتلای متن نهایی این پژوهش کمک کرده‌اند، قدردانی نمایم.

مقدمه

مطالعه حاضر بر سال ۱۳۸۶ توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سفارش داده شد. این پژوهشکده توجه ویژه به برنامه‌های درسی و آموزش در حوزه علوم انسانی - اجتماعی معطوف کرده است که باید آن را مغتنم شمرد و اظهار امیدواری نمود که این تلاش‌ها برسد سایر توجهاتی که به صورت دیگر به علوم انسانی مبذول می‌شود، به نتایج مثبتی از حیث ارتقاء کیفیت علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور منجر شود.

کیفیت برنامه‌های درسی و آموزش در حوزه علوم انسانی البته مستحق عطف توجه بوده و در مقایسه با سایر حوزه‌ها باید با حساسیت و جدیت بیشتری با آن مواجه شد. ضرورت این عطف توجه را می‌توان در انتظار پاسخ داده نشده به نوآوری و ابداع در قلمرو دانش و معرفت انسانی در عرصه‌های گوناگون و گسترده علوم انسانی طی سه دهه گذشته، و البته پیش از آن، جستجو کرد. این در حالیست که جامعه ما در سایه عطف توجه به نیازهای زیستی و مادی اهتمام ویژه‌ای به علوم زیستی و مهندسی مبذول داشته و توانسته است شاهد برداشته شدن گام‌های بلندی

در جهت توسعه این رشته‌ها باشد. این رخداد موجب مباحثات است و نشان از استعدادهای نهفته در جوانان این مرز و بوم دارد که در صورت فراهم شدن شرایط و امکانات مساعد، به منصه ظهور رسیده و خوش خواهد درخشید. نکته این جاست که چرا علوم انسانی و اجتماعی از این نوع تحولات و خیزش‌های علمی حظ چندانی نبرده است؟ کدام رشته از علل و عوامل سبب عقب افتادگی یا توسعه نیافتگی علوم انسانی شده است؟

بحث در این زمینه شامل بحث در حوزه ارتقاء کیفیت آموزش، که موضوع این بخش است، نیز می‌شود. چرا که در واقع به «چگونگی» اجرای برنامه‌های درسی در رشته‌های مختلف علوم انسانی مربوط است و البته جایگاه و اهمیت خاص خود را دارد. لیکن پرسش مطرح شده بیشتر راجع به «چیستی» و «حالت» برنامه‌های درسی است و با احراز اعتبار و وجاهت معرفتی و اجتماعی رشته‌های علوم انسانی سروکار دارد. توضیح بیشتر این که پرسش فوق با کاوش در این زمینه که با اتکا به کدام برنامه‌های درسی و با چه ویژگی‌هایی سلب دانش و معرفت و ایفای نقش دانشمندان و دانش‌آموختگان ایرانی این رشته‌ها در صحنه‌های پرهیاهو و پرافت و خیز تحولات جهانی محقق گردیده و همچنین حضور مؤثر آنان در صحنه‌های پر بسامد و بعضاً پرسر و صدای مسائل و ابهامات داخلی تأمین می‌گردد به سرانجام می‌رسد. این کاوش‌ها باید از جاری دیگری تعقیب شده که شاید نسبت به پژوهش حاضر تقدم هم داشته باشند.

واقعیت امروزین جامعه ما، اما، چنین است که به هر روی بازدهی دانشمندان و دانش‌آموختگان علوم انسانی با معیارهای یاد شده رضایت‌بخش ارزیابی نمی‌شود و لذا اعتبار و وجاهت رشته‌های علمی مربوطه مخدوش شده و در نتیجه با این پرسش طبیعی و اساسی که

سرمایه‌گذاری برای توسعه رشته‌های علوم انسانی اساساً به چه کار می‌آید مواجهیم؟ در این وادی و برای گذر از این وضعیت ناخوشایند محتاج اقدامات جسورانه‌ای هستیم که بخشی از آن را باید در بازآفرینی فرهنگ محیط‌های علمی و آکادمیک جستجو کرد و بخش دیگر را در ترمیم نگاه سیاست‌گذاران و مدیران کلان جامعه به این حوزه. در هر دو مورد نیازمند حرکت بر مبنای تبیین‌ها و فهم‌های تازه‌ای هستیم که مجال رشد و بالندگی و در نتیجه کسب وجاهت و اعتبار اجتماعی برای علوم انسانی را به هم داشته باشد. دشواری نیل به این وضعیت، در عمل، آن‌گاه بهتر درک می‌شود که در ایم بینش‌های «صفر» و «یکی» پاسخگو نیست. مثلاً نه آن بینشی که علوم اساسی را مانند علوم طبیعی و حوزه‌های معرفتی پایه ناوابسته به بوم و فرهنگ شناخته و آن را یک‌سر جهانی، همه‌جایی و موجودی فعلی آن را که سریباً صد صد غربی است را کافی و وافی معرفی می‌کند و نه بینشی که با سبیل دانش انسانی را کاملاً بومی و وابسته به فرهنگ قلمداد کرده و تا آن‌جا پیش می‌رود که گویی خیال «از نو اختراع کردن چرخ» را در سر می‌پرورانند. نگاهی معتدل و قرائتی سنجیده از ماهیت و کارکرد رشته‌های علوم انسانی هم به نیاز است. در این نگاه از یک‌سو خودباوری ناشی از نفی رویکرد استعاری «درینتالیستی» غرب موج می‌زند، سلامت و ظرفیت والای فکری و فرهنگی دانشمندان و پژوهشگران خود را انکار نمی‌کند و با تزریق خودباوری در آنان به تولید اندیشه‌های قابل دفاع و هم‌ارز آنچه غریبان بدان دست زده‌اند می‌اندیشد. و از سوی دیگر از تمسک بجا و هوشمندانه به معرفت انسانی که محصول غرب است ابائی نداشته و در تلاش برای تبیین نظری مسائل کلان و خرد جامعه خویش و همچنین تدارک راه‌حل‌های مفید و کارآمد از این دستاوردها یک‌سر چشم نمی‌پوشاند و مشی مقابل اوریتالیزم یعنی

رویکرد «نیتیویستی» پناه نمی‌برد. به بیان دیگر از «صفر» اوریتالیستی به «یک» نیتیویستی که در بطن خود شکل دیگری از تبعیض تمدنی را بازآفرینی می‌کند روی نیاورده و از آن مهلکه به مهلکه دیگری فرو نمی‌افتد. در بعدی دیگر، نه آن نگاهی که دانشمندان علوم انسانی را یک‌سر در خدمت توجیه وضع موجود می‌پسندد را می‌پذیرد و نه نگاهی به ای دانش و دانشمند علوم انسانی جز نقد و نفی، رسالت دیگری را تصور نیست را ترویج می‌کند. باز هم در بعد دیگر، نه طراحی برنامه‌های درسی علوم انسانی به سبک جاری با محوریت درس‌ها و مباحث نظری و بریده از سائار اجتماعی جامعه را می‌پسندد و نه یک‌سر به سراغ برنامه درسی مسئله‌محوری می‌رود که به دنبال ایجاد ارتباط برنامه‌های درسی با مسائل مبتلا به جامعه است بدون آن‌که دستاوردهای نظری در آن جایگاه و منزلتی داشته باشند.

به هر روی آنچه در این مقاله متعلق به سپهر علوم انسانی است از جنس بحث‌های اخیر نیست و مستقیماً متعرض این امور نمی‌شود. برای تعقیب این بحث اساسی که ناظر به نیتیویستی و حراتی این علوم است و به مراتب از بحث در خصوص چگونگی اجرا و کیفیت آموزش در علوم انسانی دارای اهمیت بیشتر است، باید در جستجوی بحال و امیدوار به فراهم شدن فرصت‌های دیگری بود.

آموزش عالی به مدد پژوهش‌های همه‌جانبه و سیاست‌گذاری‌های پژوهش‌محور هم در تدارک برنامه‌های درسی مناسب و هم تضمین کیفیت مطلوب آموزش، می‌تواند سهم به سزایی در تغییر شرایط کنونی داشته باشد. امید است این مطالعه به سهم خود بتواند به سیاست‌گذاری صحیح در این زمینه کمک نماید و شاهد کوشش‌های مطالعاتی تکمیلی در این زمینه نیز باشیم.

لازم می‌دانیم از مساعی کلیه همکاران که به واقع بار اصلی این مطالعه بر دوش آنان بوده است، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم. این همکاران به ترتیب حروف الفباء عبارتند از: دکتر خسرو باقری؛ دکتر جواد حاتمی؛ دکتر محمد عطاران؛ دکتر نعمت الله فاضلی؛ و دکتر مقصود فراستخواه.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این مطالعه کوششی جمعی و گروهی بوده است که هر آن‌چه از جنس قوت در آن ملاحظه می‌شود مرهون این تشریک مساعی و حسن استفاده از ظرفیت تخصصی بیش و کم منحصر به فرد هر یک از عزیزانی است که بار بخشی از این حرکت را بر دوش کشیده‌اند. علاوه بر این، چون در سازماندهی پژوهش از شورای علمی سود جسته و از هم‌اندیشی ایشان بهره می‌گرفتیم^۱، لازم است از دبیر محترم این شورا، جناب آقای مهرداد سرمدی، که فعالانه، دلسوزانه و مجدانه امور مربوط به شورا و طرح را سامان دادند و از سرکار خانم مرضیه اژدری، که صبورانه و با دقت تنظیمات نهایی متن را عهده‌دار شدند، سپاس‌گزاری نموده و از خداوند سبحان مزید توفیقات ایشان را مسئلت نمایم. همچنین لازم است از حسن اعتماد پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، به ویژه جناب آقای دکتر علی‌خانی، جناب آقای جلالی و جناب آقای خورسندی، تشکر نموده و اظهار امیدواری نمایم که تلاش‌های مجموعه دست‌اندرکاران پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی به ثبات توسعه علوم انسانی در آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران کمک رسانند. بالاخره آقای دکتر حسن شعبانی که رسماً به عنوان ناظر طرح از سوی پژوهشکده منصوب شده بودند، در موارد متعددی به عنوان مشاور طرح

۱. اعضاء شورای علمی علاوه بر دکتر محمود مهرمحمدی به عنوان مجری عبارت بودند از: دکتر نعمت الله فاضلی، دکتر مقصود فراستخواه، دکتر نعمت الله موسی پور، دکتر حسن شعبانی نیز به عنوان ناظر طرح در این جلسات حضور می‌یافتند.

نیز ایفای نقش نمودند تا در فرایند پژوهش دیدگاه‌ها و نظراتشان مورد استفاده قرار گیرد. در واقع با ایفای نقش دوم، امر نظارت از شکل صرف برآیندی خارج شد و وجه فرآیندی نیز پیدا کرد. کمک داوران این طرح پژوهشی، مخصوصاً جناب آقای دکتر حسین ابراهیم‌آبادی، در شکل‌گیری متن کنونی نقش اساسی داشته است. از ایشان که با نیت بهبود گزارش‌های ما، بارها در گفتگوهای حضوری شرکت نمودند و بدین ترتیب رحمت مضاعفی متوجه ایشان شد، صمیمانه سپاسگزاریم. زحمات همه این عزیزان شایسته قدرشناسی است و توفیقات آنان آرزوی ماست.

توفیق از اوست
محمود مهرمحمدی
نعمت‌الله موسی‌پور